



اصالت سنجی

مقاله پژوهشی

خلاصه انگلیسی این مقاله با عنوان:

Presenting a conceptual model of urban decline in border city of Iran, using Grounded theory method

در همین شماره به چاپ رسیده است.

شهرسازی ایران، دوره ۴، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صفحه ۷۰-۸۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۱۷، تاریخ بررسی اولیه: ۹۹/۵/۲۳، تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۱۰، تاریخ انتشار:

۱۴۰۰/۶/۱۳

ارائه مدل مفهومی زوال شهری در شهرهای مرزی ایران با استفاده از روش گراند تئوری

نیما جهان بین*

دکترای شهرسازی، گروه معماری و شهرسازی، دانشکده هنر دانشگاه علوم و تحقیقات کرمان، ایران

حسنعلی رخشانی نسب

دانشجوی دکترای شهرسازی، گروه معماری و شهرسازی، دانشکده هنر دانشگاه علوم و تحقیقات کرمان، ایران

چکیده: زوال شهری که پدیده‌ای جدید در شهرهای معاصر است در سال‌های اخیر با پیامدهای اجتماعی و کالبدی خاصی همراه است که در شهر زابل نیز نمود یافته است. هدف پژوهش حاضر، ارائه مدل مفهومی زوال شهری در شهرهای مرزی (زابل) می‌باشد.

پژوهش حاضر در زمره تحقیقات کیفی و رویکرد نظریه داده بنیاد انجام شده است. جهت تحلیل داده‌های کیفی از روش فراترکیب و تحلیل محتوا به صورت توأم استفاده شده است. روش جمع آوری اطلاعات مطالعه اسنادی و مصاحبه نیمه ساختارمند می‌باشد. جهت تحلیل داده‌های کیفی و کدگذاری از نرم افزار Nvivo استفاده شد.

بر اساس مطالعات اسنادی و استفاده از روش فراترکیب چارچوب نظری پژوهش و لایه‌های زوال شهری ارائه گردید. مولفه اصلی زوال شهری بر این اساس عبارتند از: عوامل سیاسی، حکمروایی شهری، عوامل زیست محیطی، عوامل اقتصادی و عوامل اجتماعی و فرهنگی. همچنین جهت ارائه "مدل مفهومی زوال شهری" از روش داده بنیاد استفاده می‌شود. بر اساس سوالات مطرح شده در فرایند مصاحبه، ۳۵۰ ارجاع ارائه گردید با بازبینی متعدد و ادغام کدها بر اساس تشابه در طی چندین مرحله تلخیص داده‌ها، ۱۷ زیر درون مایه استخراج گردید. بر اساس مولفه‌های ارائه شده و کشف روابط علی- معلولی مدل مفهومی (مدل اسپیرال) زوال شهرهای مرزی با تاکید بر شهر زابل ارائه گردید.

واژگان کلیدی: زوال شهری، شهر مرزی، داده بنیاد

*h.riagohar@gmail.com

۱- مقدمه

اصطلاح زوال شهری حاکی از این دیدگاه است که شهرهای رو به زوال شهرهایی هستند که با مشکل مواجهند، شهرهایی که همانند قبل و یا آن گونه که باید از نظر اقتصادی یا اجتماعی سالم نیستند (Yakup .E, Niley. Y, 2016).

گسترش شهرنشینی و رشد شتابزده شهرها و تغییر الگوهای زندگی انسان به سمت مدرنیته شدن، مشکلاتی را برای شهرها به وجود آورده به طوری که شهر به مثابه موجودی زنده، شادابی و سرزندگی خود را ازدست داده است (Bagheri & Loghmani, 2020) رشد زوال و پژمردگی شهری یکی از فراگیرترین و نافذترین فرایندهای جغرافیایی است که پیامدهای گوناگونی در عرصه شهر و نواحی پیرامونی آن بر جای می‌گذارد (Farjam.R & Hossieni Motlaq. M, 2019). مطابق تجارب جهانی و نیز تجربه تحولات شهری در ایران، حاکی از آن است که پژمردگی شهری هم زمینه است و هم فرایند، هم ساخته می‌شود و هم می‌سازد؛ از این زاویه است که زوال شهری به دلیل نقش گوناگونی که در چرخه حیات شهرنشینی دارد، اهمیت می‌یابد چراکه زوال شهری دارای ابعاد گوناگون و پیچیده‌ای است که ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی، زیست محیطی و کالبدی آن در شهرهای درگیر با آن غیرقابل انکار است (Imani, B & et al, 2016).

یکی از شیوه‌های مرسوم‌تر برای مشخص کردن معنای زوال شهری، تفسیری است که در طول سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم مورد استفاده قرار گرفته و به مقوله‌هایی چون کاهش جمعیت شهرها و افزایش بیکاری به دلیل تعطیلی کارخانجات در شهرها اشاره می‌کند (Gunwoo,K, 2020). Galen, N. Bin, J, 2020. در این تفسیر، شهری که در شرایط زوال قرار دارد در واقع به مکانی تبدیل شده است که مردم تمایل کمتری برای زندگی در آن دارند و همچنین مکان مناسبی برای سرمایه گذاری‌های بزرگ در زمینه بازرگانی و صنعت محسوب نمی‌گردد (Accordino,J &

Johnson,G, 2016) از دست دادن جمعیت و موقعیت- های اقتصادی به نوبه خود عواقب دیگری در پی خواهد داشت که برخی از این عواقب عبارتند از: ضعف در منابع اخذ مالیات، کاهش مصرف کنندگان کالاها و خدمات عمومی، کاهش درآمد ساکنان شهر و فرسودگی کالبدی (Donghwan. Gu & et al, 2019).

شهرها به عنوان موجودات زنده، در صورت تداوم زوال شهری، حیات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی خود را از دست می‌دهند و زمینه‌های بروز مخاطرات طبیعی و انسانی در آن‌ها فراهم می‌شود. ضرورت توجه به زوال شهری با آثار وجودی و نقشی که این پدیده در ابتدا در تخریب حیات شهری و بروز ناپایداری و تهدید برای سلامت زیست پذیری در شهر باز می‌گردد (Hollander, J. B., & Németh, J, 2011). همچنین در محله‌های دچار زوال فرصت و حق برخورداری از محیط زیست مناسب برای زندگی و فعالیت‌های شهروندی به مرور از دست می‌رود و در نتیجه زمینه‌های برقراری عدالت اجتماعی از طریق ایجاد محیطی مطلوب و ایمن برای زیست و فعالیت شهروندان نیز از بین می‌رود (Ryan, B. D, 2012).

ضرورت توجه به این مسئله زمانی آشکارتر می‌شود که در نظر آوریم بخش مرکزی بسیاری از شهرهای ایران گرفتار این پدیده هستند به گونه‌ای که بر اساس شاخص‌ها و معیارهای شورای عالی معماری و شهرسازی ایران تاکنون معلوم شده است که بیش از ۵۴۱ شهر کشور با بافت‌های فرسوده مواجه هستند که یا خود زوال یافته محسوب می‌شوند یا بستر ساز فرایند زوال شهری شده‌اند (Sajadi & et al, 2008).

لذا امروزه موضوع توسعه و چگونگی مداخله با بافت‌های رو به زوال و مرکزی شهرها، به صورت مسأله و چالشی مهم در طراحی و برنامه ریزیهای شهری تبدیل گشته است (Khan Mohammadi, 2020).

شهر زابل به عنوان شهری پیرامونی و همجوار با کشور افغانستان، همواره به عنوان اولین شهر جاذب مهاجران روستایی منطقه و مهاجران افغانی بعد از جنگ شوروی سابق با کشور افغانستان و جنگ‌های داخلی این کشور می‌باشد.

۴ - مولفه‌ها چگونه منجر به ایجاد زوال شهر زابل می‌گردند؟

۲- پیشینه پژوهش

شواهد پیدایش زوال برای اولین بار در سال ۱۹۷۹ در آمریکا مورد توجه بری قرار گرفت. او اشاره کرد که در بین سال‌ها ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳، مناطق کلان‌شهری آمریکا در مقایسه با رشد کلی کشور، رشد کندتری داشتند و این رشد بسیار کندتر از مناطق غیر کلان‌شهری آمریکا بود.

وینینگ و کونتولی^۱ در سال ۱۹۷۸ ویژگی‌های تغییرات شهری معاصر را در سراسر جهان بررسی کردند. آنها دریافتند که در سال‌های اخیر مناطق شهری اصلی در کشورهای پیشرفته دچار زوال جمعیتی شده‌اند.

کارهایی که در زمینه تغییرات شهری در اروپا صورت گرفته، این واقعیت را که زوال شهری هم یک پدیده جدید است و هم یک پدیده محلی تایید می‌کند. هال و هی در سال ۱۹۷۸ در نظرسنجی گسترده‌ای که بر روی مراکز رشد در سیستم شهری اروپایی انجام دادند به این نتیجه گیری کلی رسیدند که اروپا قبل از سال ۱۹۷۰ هیچگونه تمایلی برای تمرکززدایی نداشت. البته تا سال ۱۹۸۲، شواهد آشکاری وجود دارد مبنی بر اینکه زوال شهری در منطقه آتلانتیک (بریتانیای کبیر و ایرلند^۲) و بخش‌هایی از اروپای مرکزی، شمالی و غربی مشاهده شده است. البته از ویژگی‌های اسپانیا، پرتغال و ایتالیا، استمرار رشد شهری است. فیلدینگ^۳ در سال ۱۹۸۲ به نتیجه گیری مشابهی دست یافت. در ۹ کشور از ۱۴ کشور اروپای غربی مورد مطالعه، او دریافت که رشد جمعیت شهری در طول سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ به طور کارآمدی متوقف شد. در ۷ کشور از این کشورها، تا اواخر دوره نظرسنجی، شهرهای اصلی رو به زوال بودند در حالی که مناطق روستایی و شهرهای کوچک رشد جمعیت داشتند (Cohen, J. R, 2001).

برگ و همکارانش^۴ در سال ۱۹۸۲ با بررسی تغییرات جمعیتی و شغلی در اروپای شرقی و غربی، جزئیات بیشتری ارائه دادند. از بین ۱۸۵ منطقه شهری که مورد تحلیل قرار

خشکسالی‌های پی در پی منطقه سیستان، از بین رفتن منابع آبی و کشاورزی منطقه، خشک شدن دریاچه هامون و از بین رفتن نیزارهای موجود در آن، باعث بیکار شدن و از دست دادن مشاغل دامداری و صیادی ساکنان حاشیه این دریاچه در سال‌های اخیر بخصوص از سال ۱۳۷۸ تا به حال شده است که منجر به مهاجرت بیش از اندازه روستاییان و عشایر منطقه به صورت گروه‌های قومی به شهر زابل و تشدید فرایند زوال شهری در این شهر گردیده است (Bezi, 2008). البته مسأله تحقیق حاضر اثبات وجود زوال در منطقه مورد مطالعه نیست، زیرا تحقیقات پیشین و همچنین بافت روستا شهری، عدم رعایت موازین بهداشتی، رهاسازی مواد زاید در معابر، عدم همکاری در بهسازی شهری و رهاسازی آب‌های سطحی و فاضلاب در کوچه‌ها و همچنین مسائلی از قبیل نپرداختن عوارض شهرداری، ساخت و سازهای غیرمجاز توسط مهاجرین و عدم بهره‌مندی از خدمات شهری مناسب و تاسیسات عمومی در این مناطق، پدیده زوال شهری در همه انواع و فرآیندهای پژمردگی را نشان می‌دهند و وجود زوال در منطقه مورد مطالعه را اثبات می‌کنند. آنچه کانون توجه تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد، درک روابط و چگونگی عوامل موثر بر زوال شهری است.

از طرفی در متون مختلف، ارز یابی‌هایی از مفهوم زوال در مناطق و بافت‌های مرکزی شهری در قالب تحقیقات مفصل صورت گرفته، لیکن مفهوم زوال در شهرهای مرزی و علل منحصر به فرد آن در قالب تحقیقات دانشگاهی هنوز انجام نگرفته است. لذا تحقیق حاضر برای نخستین بار پیرامون چیستی زوال در شهرهای مرزی (شهر زابل) می‌باشد و ارائه مولفه‌های سازنده لایه‌های زوال در شهرهای مرزی از اهداف اساسی در تحقیق حاضر محسوب می‌شود.

همچنین سوالات پژوهش عبارتند از:

- لایه‌های سازنده مفهوم زوال در شهرهای مرزی کدام است؟
- مولفه‌های سازنده لایه‌های زوال شهری کدام هستند؟

^۳ A.J. Fielding

^۴ L. van den Berg et al.

^۱ D.Vining & T.Kontuly

^۲ Atlantic Region (Great Britain and Ireland)

خاص از دهه‌های پایانی قرن نوزدهم، زمانی متداول شد که رشد گسترده جمعیت شهری به موازات رشد سرمایه دار صنعتی، زمینه ساز شکل گیری محله های فقیرنشین شهری، تخریب محیط زیست شهر، فساد شهری و مخاطرات زیست محیطی در شهرها شده است (Vahabzadeh & et al, 2020). در قرن نوزدهم نویسندگانی مانند انگلس و چارلز دیکنز با به تصویر کشیدن زندگی در محله های فقیرنشین شهرهای صنعتی از جمله لندن و منچستر، سهم به سزایی در بیان و تشریح این مفهوم و توجه عمومی به وضعیت نابهنجار این پدیده داشته و با توصیف زندگی محله های فقیرنشین، دنیای جدیدی از مخاطرات این پدیده ارائه دادند (Rhodri, T, 2012). مفهوم زوال شهری دارای معانی گوناگون است و به پدیده های مختلفی اشاره دارد. پدیده هایی مانند کاهش تعداد ساکنین یک محدوده یا کل شهر، افزایش جرم، تغییر ناگهانی فرآیندهایی چون تعطیلی مراکز اقتصادی و ... نشانه های زوال به شمار می روند (UiJeong, Hwang & Myungje, Woo, 2020). زوال شهری به لحاظ محتوا می تواند هم پویا و هم بی ثبات و سست باشد (Couch.C & et al 2005). مفسران پدیده زوال شهری، جهت ارائه و ارزیابی زوال شهری، بر واقعیت های تجربی تأکید می کنند. حتی محققان تجربه گرا که از مفهوم زوال شهری تنها به عنوان یک معیار کمی استفاده می کنند، نیز از این روش استفاده می کنند (Robert A. Beauregard, 1993).

زوال شهری به عنوان یک مفهوم مجازی شرایط وسیع-تری را در بر می گیرد و به صورت نقطه ضعفی در ساختار مدنیت، همچنین فروپاشی معیارهای اجتماعی استنباط می-شود (Davood pour & et al, 2011). یکی دیگر از شیوه های شناخت معنای زوال شهری که عمدتاً در میان محققان دانشگاهی مورد استفاده قرار گرفته، مقوله های مانند کاهش جمعیت شهرها و افزایش بیکاری به دلیل تعطیلی مراکز اقتصادی در شهرهاست. در این شیوه، شهری که در شرایط زوال قرار دارد، مکانی است که مردم تمایل کم تری برای

گرفتند، ۱۲ منطقه در بین سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ جمعیت خود را از دست دادند و ۱۴ منطقه دیگر هم در بین سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵ دچار زوال شدند. تحلیل دقیقی بر روی ۱۸ منطقه از مناطق شهری رو به زوال صورت گرفت و نشان داد که این مناطق فرصت های شغلی خود را نیز از دست داده اند. مناطق شهری که رو به زوال بودند یا پایتخت بودند (وین، بروکسل، کپنهاگ، لندن، لاهه^۱) و یا شهرهایی نظیر خنت^۲، چارلروی^۳، لیژ^۴، لیورپول، گلاسو و منچستر که به هنگام انقلاب صنعتی، شکل گرفتند. در مقایسه می توان گفت، تمام مناطق شهری در اروپای شرقی همچنان رشد داشتند. شواهد زوال بسیار محکم هستند به طوری که برگ و همکارانش استدلال می کنند بسیاری از کشورهای بزرگ اروپای غربی پس از رشد پایدار، تنزلی پایدار را تجربه می کنند (Clark.D, 2013).

در متون مختلف ارزیابی هایی از مفهوم زوال شهری در قالب تحقیقاتی مفصل صورت گرفته، لیکن مبحث زوال در شهرهای مرزی معاصر و مولفه های سنجش آن منطبق بر شرایط بومی ایران در قالب پژوهش های دانشگاهی هنوز انجام نگرفته است. لذا تحقیق حاضر برای نخستین بار پیرامون چیستی زوال شهری منطبق بر اصول و ویژگی های بومی شهرهای مرزی (شهر زابل) می باشد.

۳- مبانی نظری

۳-۱- زوال شهری^۵

زوال شهری در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در ارتباط با شهرهای غربی مطرح می شد. ناحیه رو به زوال، به محدوده ای از شهر گفته می شود که دارای افت کیفیت کالبدی است و ساختمان ها در شرایط بدی هستند، از نظر ظاهری رو به زوال می باشند و شرایط زیست محیطی ناپایدار و نامناسب است و در غالب موارد نیاز برای توسعه دوباره، به شدت احساس می-شود (Zanganeh & et al, 2013). زوال شهری در معنای

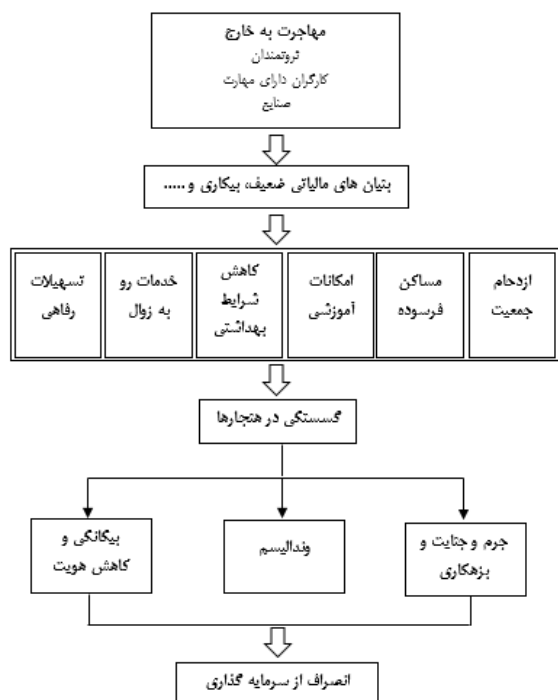
^۴ Liege

^۵ Urban Decay

^۱ The Hague

^۲ Ghent

^۳ Charleroi



تصویر شماره ۱: چرخه زوال شهری
(Zanganeh & et al, 2013)

۴- روش تحقیق

رویکرد تحقیق حاضر از نوع کیفی است که با روش داده بنیاد (grounded theory) انجام شده است. پژوهش کیفی فرآیند پیچیده ای است که انجام آن مستلزم صرف وقت نسبتاً طولانی بوده و داده ها به روش استنباط استقرایی تحلیل می شوند.

روش جمع آوری اطلاعات مطالعه اسنادی، دیدگاه ها، تعاریف و مصاحبه فردی نیمه ساختارمند است. جامعه آماری این پژوهش شامل افراد متخصص و صاحب نظر و اساتید دانشگاه در رشته شهرسازی (با بیش از ۱۵ سال سابقه کار) می باشند که تعداد ۲۳ نفر با روش نمونه گیری هدفمند و تکنیک گلوله برفی به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. به منظور تولید داده ها از روش مصاحبه فردی نیمه ساختارمند که از نظر انعطاف پذیری و عمیق بودن، مناسب پژوهشهای کیفی است، استفاده شد. هر مصاحبه به طور میانگین از ۲۵

زندگی در آن دارند. در نتیجه در مواردی، در ارتباط با ساختار طبقاتی جمعیت شهرها و همچنین برای اشاره به محیطی مناسب برای افزایش بزهکاری و از بین رفتن حیات مدنی و مشکلات دیگر می توان مفهوم زوال شهری را به کار برد. بنابراین شهرها و مناطق رو به زوال شهری، مناطقی هستند که در پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، فرهنگی و ایجاد سرزندگی ناکارآمد و از نظر زیست محیطی دچار ناپایداری می باشند (Pinto.S & Sablik. T, 2016).

اصطلاح زوال شهری حاکی از این دیدگاه است که شهرهای رو به زوال شهرهایی هستند که با مشکل مواجه اند، شهرهایی که همانند قبل و یا آن گونه که باید از نظر اقتصادی یا اجتماعی سالم نیستند (Stuart S.Rosenthal & Stephen L.Ross, 2015). رایج ترین معیار برای سنجش زوال شهری، افت جمعیتی یک شهر و یا کل یک منطقه کلان شهر است. افت جمعیت معیار سنجش زوال است چراکه این مسئله از مطلوبیت شهر می کاهد و نشان دهنده مشکلات گسترده تری است (Bourne, 2013).

کلارک (۲۰۱۳) اشاره کرد که توسعه و زوال شهری در نتیجه مهاجرت و تغییر در اندازه جمعیت این شهر است. او همچنین تأکید کرد که الگوی اقتصادی زوال شهری به شدت وابسته به اندازه شهر هست. کلارک همچنین رکود اقتصادی شهری را به عنوان محصول مشکلات اقتصادی ملی شناسایی کرده است. او اشاره کرد که ارقام اقتصادی و جمعیت می تواند یک تصویر واضح از زوال شهری را نشان دهند. او نتیجه گرفت که رکود اقتصادی شهری نتیجه فعل و انفعالات فعالیت های تولیدی و سطح پایین بازآفرینی صنعتی بود (Clark.D, 2013).

بنابراین زوال شهری معنای کارکردی و توصیفی دارد. زوال در معنای توصیفی خود به کاهش جمعیت و یا فرصت های شغلی اشاره دارد و در معنای کارکردی خود به معنی تغییراتی است که به نوعی کارکرد شهر و یا دیگر توده های شهری را مختل می سازد. تصویر شماره ۱ چرخه زوال شهری را نشان می دهد (Zanganeh & et al, 2013).

تصویر شماره ۲: فرایند انجام پژوهش

۵- یافته‌ها و بحث

از آنجا که پژوهش حاضر از نوع کیفی می باشد لذا از ابزار مصاحبه جهت جمع آوری داده ها استفاده می شود. مصاحبه ها در ابتدا با طرح ۳ سؤال کلی آغاز شد که مفهوم زوال شهری چیست؟ زوال شهری در کدام بخش های شهر زایل قابل رویت است؟ و چگونه زوال شهری در طول زمان اتفاق می افتد؟ همانطور که اشاره شد و بر اساس مطالعات اسنادی لایه های زوال شهری شامل ۵ بخش اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، زیست محیطی، سیاسی و حکمروایی می باشد. در ادامه بر اساس مطالعات اسنادی و چارچوب نظری به دست آمده در خصوص لایه های سازنده زوال شهری سوالات مطرح گردید. بر اساس سوالات مطرح شده در فرایند مصاحبه، ۳۵۰ ارجاع ارائه گردید. با بازبینی متعدد و ادغام کدها بر اساس تشابه در طی چندین مرحله تلخیص داده ها، ۱۷ کد باز و ۵ کد محوری استخراج گردید.

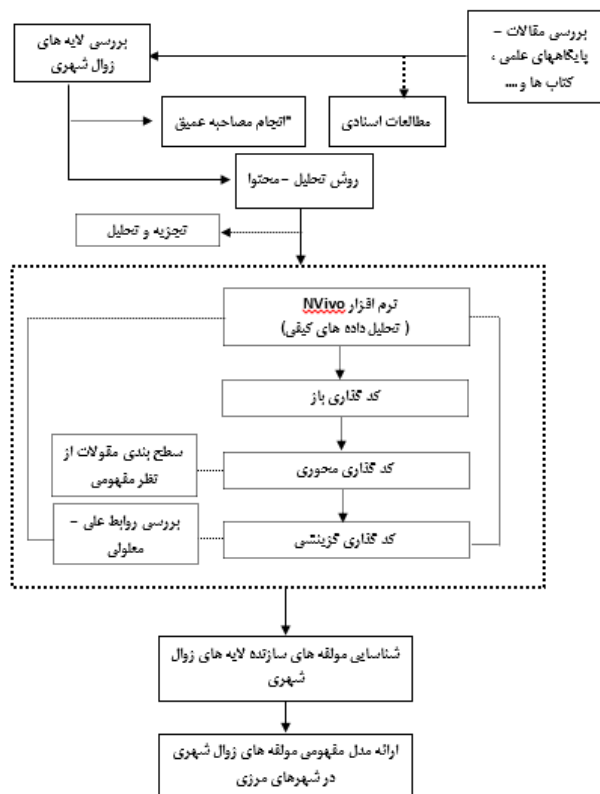
کد گذاری داده های حاصل از مصاحبه در نرم افزار

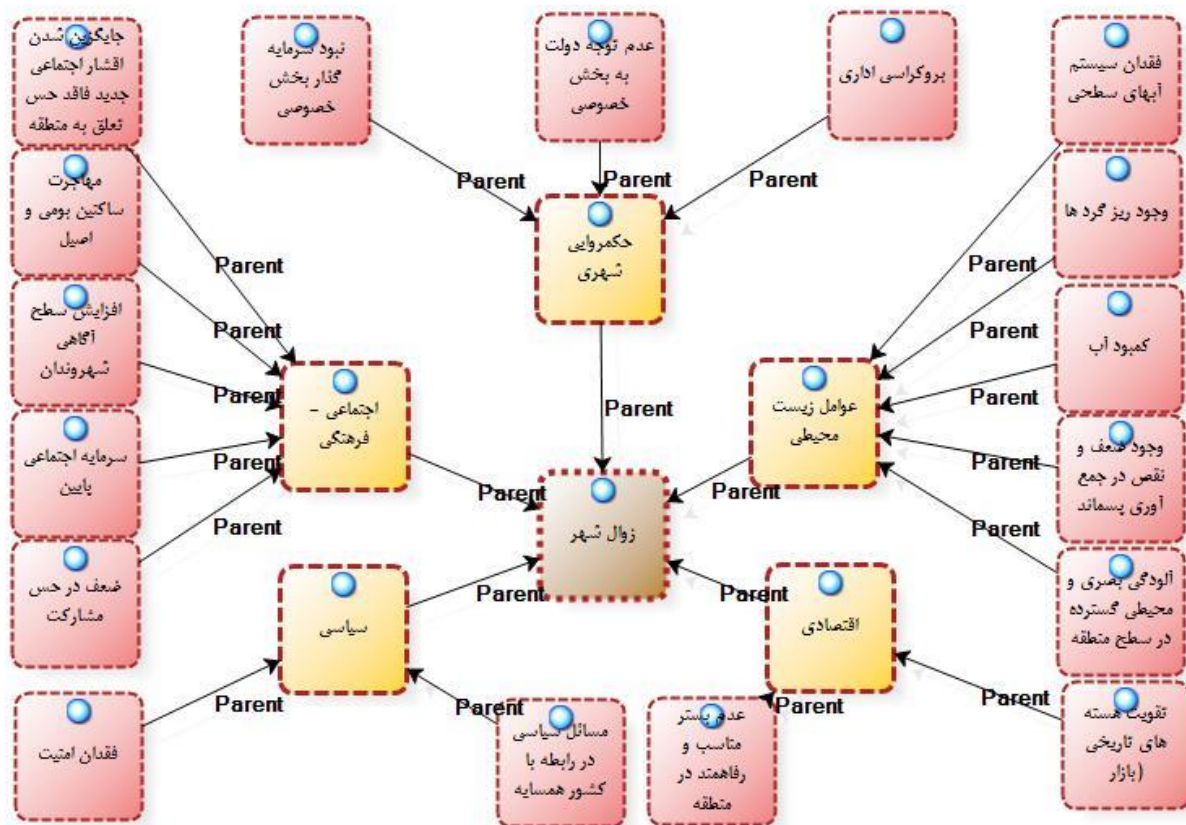
NVivo0

کد گذاری باز داده های حاصل از مصاحبه به طور کلی، در کد گذاری متون قصد آن است تا داده ها و پدیده ها در قالب مفاهیم در آیند. برای نمایش روابط موجود میان مقولات، نرم افزار NVivo از الگوریتم های خوشه بندی گوناگونی برای گروه بندی سلول های مشابه استفاده و آن را استاندارد و ترکیب می کند. از آنجا که در پژوهش حاضر به صورت ترکیبی از روش های "فرا ترکیب" و "داده بنیاد" استفاده شده است، لذا جهت ارائه "مدل مفهومی زوال شهری" از روش داده بنیاد استفاده می شود. بر اساس سوالات مطرح شده در فرایند مصاحبه، ۳۵۰ ارجاع ارائه گردید. با بازبینی متعدد و ادغام کدها بر اساس تشابه در طی چندین مرحله تلخیص داده ها، ۱۷ زیر درون مایه استخراج گردید (تصویر ۵).

تا ۵۰ دقیقه طول می کشید. مصاحبه ها در ابتدا با طرح ۳ سؤال کلی آغاز شد که مفهوم زوال شهری چیست؟ زوال شهری در کدام بخش های شهر زایل قابل رویت است؟ و چگونه زوال شهری در طول زمان اتفاق می افتد؟ و در ادامه بر اساس مطالعات اسنادی و چارچوب نظری به دست آمده در خصوص لایه های سازنده زوال شهری سوالات مطرح شد. پس از انجام ۱۷ مصاحبه، تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده گردید از مصاحبه ۱۹ به بعد داده ها کاملاً تکراری و به اشباع نظری رسیده بودند؛ اما برای اطمینان تا مصاحبه ۲۳ ادامه یافت و کفایت داده ها برای تولید نظریه حاصل شد و در نتیجه فرایند جمع آوری داده ها خاتمه یافت.

جهت تحلیل داده های کیفی و کدگذاری و بررسی میزان فراوانی کدهای مستخرج از پرسشنامه از نرم افزار NVivo استفاده شد. در انتها مدل مفهومی مولفه های هر یک از لایه های زوال شهری ارائه خواهد شد و در انتها مدل مفهومی چگونگی ایجاد زوال ارائه می شود. تصویر شماره ۲ فرایند انجام پژوهش را نشان می دهد.

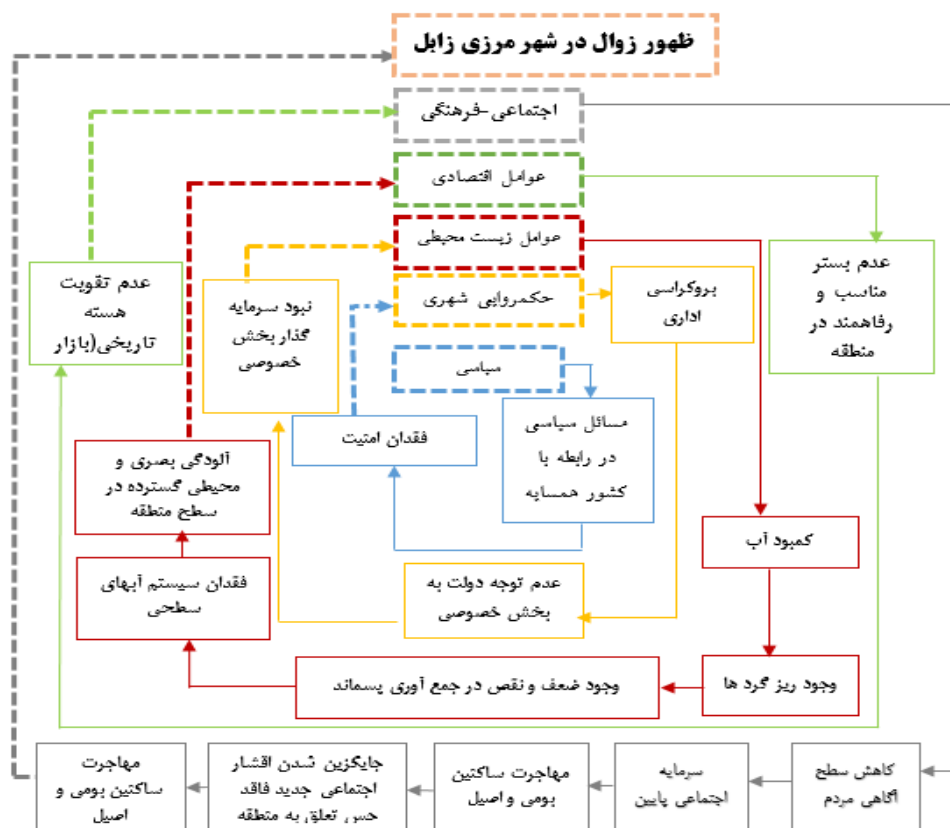




تصویر شماره ۵: چگونگی روابط بین درون مایه و زیر درون مایه ها

- در ادامه پس از تعیین درون مایه و زیر درون مایه های ظهور زوال شهری، روابط علی و معلولی جهت ترسیم مدل مفهومی بررسی می شود. جهت ارائه مدل مفهومی و کشف روابط علی - معلولی بر اساس تعداد ارجاعات مصاحبه انجام گردید. بر اساس یافته های حاصل از ارجاعات و مصاحبه ، مدل اسپیرال (چرخشی) جهت ظهور زوال شهری در شهرهای مرزی (زابل) ارائه گردید. مدل اسپیرال از ۵ چرخه تشکیل شده است. بر اساس میزان فراوانی و تعداد ارجاعات چرخه اولیه و درونی مدل، عوامل سیاسی می باشد. چرخه دوم حکمروایی شهری ، چرخه سوم عوامل زیست محیطی، عوامل اقتصادی و چرخه پنجم عوامل اجتماعی- فرهنگی می باشد. عوامل سازنده هر یک از چرخه های مدل به ترتیب الویت عبارتند از:
- **چرخه اول : عوامل سیاسی**
 - مسائل سیاسی در رابطه با کشور همسایه
 - فقدان امنیت
- **چرخه دوم: حکمروایی شهری**
 - بروکراسی اداری
 - عدم توجه دولت به بخش خصوصی
 - نبود سرمایه گذار بخش خصوصی
- **چرخه سوم: عوامل زیست محیطی**
 - کمبود آب
 - وجود ریز گرد ها
 - وجود ضعف و نقص در جمع آوری پسماند
 - فقدان سیستم آبهای سطحی
 - آلودگی بصری و محیطی گسترده در سطح منطقه
- **چرخه چهارم: عوامل اقتصادی**
 - عدم پست و رفاهمند در منطقه

- عدم بستر مناسب و رفاهمند در منطقه
- عدم تقویت هسته تاریخی (بازار)
- تصویر شماره ۶ مدل نهایی زوال شهری (شهر مرزی زابل)
- زابل (را نشان می دهد).
- چرخه پنجم: اجتماعی - فرهنگی
- افزایش سطح آگاهی شهروندان
- سرمایه اجتماعی پایین
- مهاجرت ساکنین بومی و اصیل
- جایگزین شدن اقشار اجتماعی جدید فاقد حس
- تعلق به منطقه
- ضعف در حس مشارکت



تصویر شماره ۶ مدل نهایی زوال شهری (شهر مرزی زابل) را نشان می دهد.

- ۶- جمع بندی و نتیجه گیری
- ایجاد، رشد و زوال شهرها محصول نیروها و جریان های طبیعی و انسانی و مناسبات مربوط در گذر زمان بوده و شهر زابل نیز از این قاعده کلی جدا نیست. به استناد مطالعات صورت گرفته پیرامون مفاهیم ذکر شده می توان چنین نتیجه گرفت که تمامی این پژوهش ها بر ضرورت بررسی زوال شهری تاکید دارند.
- سوال اول پژوهش: لایه های سازنده مفهوم زوال در شهرهای مرزی کدام است؟
 - همانطور که در بخش روش شناسی پژوهش بررسی شد، ۵ لایه سیاسی، حکمرانی شهری، عوامل زیست محیطی، عوامل اقتصادی و عوامل اجتماعی - فرهنگی می باشند.
 - سوال دوم پژوهش: مولفه های سازنده لایه های زوال شهری کدام هستند؟
 - بر اساس تحلیل فرا تحلیل مولفه های سازنده لایه های

زوال شهری ۱۷ مولفه می‌باشند که در تصویر شماره ۵ نشان داده شده‌اند. مولفه‌ها عبارتند از:

۱. مسائل سیاسی در رابطه با کشور همسایه
۲. فقدان امنیت
۳. بروکراسی اداری
۴. عدم توجه دولت به بخش خصوصی
۵. نبود سرمایه گذار بخش خصوصی
۶. کمبود آب
۷. وجود ریز گردها
۸. وجود ضعف و نقص در جمع آوری پسماند
۹. فقدان سیستم آب‌های سطحی
۱۰. آلودگی بصری و محیطی گسترده در سطح منطقه
۱۱. عدم بستر مناسب و رفاهمند در منطقه
۱۲. عدم تقویت هسته تاریخی (بازار)
۱۳. افزایش سطح آگاهی شهروندان
۱۴. سرمایه اجتماعی پایین
۱۵. مهاجرت ساکنین بومی و اصیل
۱۶. جایگزین شدن اقشار اجتماعی جدید فاقد حس
تعلق به منطقه
۱۷. ضعف در حس مشارکت

- مولفه‌ها چگونه منجر به ایجاد زوال شهر زایل می‌گردند؟

بر اساس تحلیل‌های انجام شده مدل اسپیرال جهت ظهور زوال شهری ارائه گردید. چرخه درونی و اولیه عوامل سیاسی می‌باشد. بر اساس مدل مذکور عواملی از قبیل فقدان امنیت در شهر و مسائل سیاسی در رابطه با کشور همسایه و عوامل مدیریت شهری از قبیل عدم توجه دولت به بخش خصوصی و در نتیجه نبود سرمایه گذار بخش خصوصی منجر به مسائل زیست محیطی در این منطقه می‌شود. مسائل زیست محیطی نظیر عدم حفاظت از گونه‌های ارزشمند، نبود مدیریت آب، نبود مدیریت فاضلاب، مدیریت پسماند (زباله‌ی جامد)، آلودگی بصری خدمات و زیر ساخت‌ها، عدم حفاظت از منظر طبیعی و تغییرات اقلیمی منطبق با بوم منجر به آسیب بخش اقتصادی شهر و عدم ایجاد بستر مناسب و رفاهمند در منطقه می‌شود. لذا عوامل مذکور منجر به کاهش سطح آگاهی شهروندان و سرمایه اجتماعی پایین در منطقه می‌شود که نتیجه آن بر مهاجرت ساکنین بومی و جایگزین شدن اقشار اجتماعی بدون ایجاد حس تعلق می‌شود. عوامل مذکور حس مشارکت شهروندان در امور شهر را کاهش داده و لذا پدیده زوال شهری حادث خواهد شد.

توجه به مسائل سیاسی و عوامل مدیریت شهری و بالاخص مسائل زیست محیطی با تاکید بر تامین آب جهت جلوگیری از زوال شهری از نتایج پژوهش حاضر است.

7- References

Persian References:

- Bagheri Beheshty, Aida. Loghmani, Hadis. (2020). Analysis of effective criteria on happy city (Case study: District Two of Tehran), Iranian Urbanism, 3 (5), 24-33. <https://www.shahrsaziiran.com/1399-3-5-article2/>
- Bezi, khodarahm (2008). An analysis of the urbanization process and physical development of Zabol city. Geographic Space Quarterly. No18, <http://ensani.ir/file/download/article/20100930093522>
- Davood pour, Zohreh, Ardalan , Dariush(2011), A General Theory for Cities of the 21st Century (Peter Hall) and Adaptability to the Conditions of Iran. Hoviatshahr, Volume 5, Issue 9 - Serial Number 9, Autumn 2011, Pages 83-92 <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=153566>
- Khan Mohammadi, Marjan. (2020). the role of cultural economy and creativity in urban regeneration, Iranian Urbanism, 3 (5), 99-112.
- <https://www.shahrsaziiran.com/1399-3-5-article7/>
- Sajadi , Zhila , Abolfazl, Meshkini, Hamid reza , Hamidi (2008), Socio-spatial analysis of urban worn-out structures in order to revive and prevent further erosion Case study: Tannery neighborhood - Zanjan. Journal of Applied Researches in Geographical Sciences. Volume 7. Number 5 <https://jgs.khu.ac.ir/article-1-547-fa.html>
- Vahabzadeh .Naghmeh , Andalib, Alireza, Majedi, Hamid (2020), Department of Civil Engineering, Architecture and Art, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Quarterly of geography (Regional Planning), Volume 10, 1-2 - Serial Number 37, Winter 2020, Pages 881-898 http://www.jgeoqeshm.ir/article_104604.html
- Zanganeh, Ahmad, Zanganeh. Abolfazl, Amir Hajloo, Elham (2013). Urban decline. University Jihad Publishing Organization, <http://isba.ir/MainPage.aspx?ID=5632&kind=6&bcode=54>

Latin References:

- Accordino,J & Johnson,G. (2016). Addressing the Vacant and Abandoned Property Problem. Journal of Urban Affairs, 22(3), 301-315. doi:10.1111/0735-2166.00058
- Bourne, Larry . (2013). Alternative Perspectives on Urban Decline and Population Deconcentration. Urban Geography, 39-52. doi:10.2747/0272-3638.1.1.39
- Chris Couch , Jay Karecha , Henning Nuißl Dr., Prof. & Dieter Rink. (2005). Decline and sprawl: an evolving type of urban development – observed in Liverpool and Leipzig. 13(1), 117-136. doi:10.1080/0965431042000312433
- Clark.D. (2013). Urban Decline. Routledge. Retrieved from <https://www.routledge.com/Urban-Delay-Routledge-Revivals/Clark/p/book/9780415858137>
- Donghwan. Gu, Galen. Newman, Jun-Hyun.Kim, Yunmi. Park, Jaekyung. Lee. (2019). Neighborhood decline and mixed land uses: Mitigating housing abandonment in shrinking cities. Land use policy, 83, 505-511. doi:10.1016/j.landusepol.2019.02.033
- Farjam.R & Hossieni Motlaq. M. (2019). Does urban mixed use development approach explain spatial analysis of inner city decay? Journal of Urban Management, 8(2), 245-260. doi:10.1016/j.jum.2019.01.003
- Gunwoo,K. Galen, N. Bin,J. (2020). Urban regeneration: Community engagement process for vacant land in declining cities. Cities, 102, 102730. doi:10.1016/j.cities.2020.102730
- Hollander, J. B., & Németh, J. (2011). The bounds of smart decline: A foundational theory for planning shrinking cities. Housing Policy Debate, 21(3), 349–367. doi:10.1080/10511482.2011.585164
- Imani .B, Kanooni,R, Biniyaz,M, Ali mohammadi,A. (2016). URBAN DECAY VULNERABILITY MITIGATION STRATEGIES AGAINST EARTHQUAKE CASE STUDY:

IMAMZADEH HASAN NEIGHBORHOOD IN TEHRAN. BAGH-E NAZAR(39), 75- 90. Retrieved from <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=507229>

- Pinto ,Santiago & Sablik, Tim. (2016). Understanding Urban Decline. Federal Reserve Bank of Richmond. Retrieved from https://www.richmondfed.org/-/media/richmondfedorg/publications/research/annual_report/2016/pdf/article.pdf
- Rhodri, T. (2012). Eventful Cities: Cultural Management and Urban Revitalization. Tourism Management, 33, 721-729. doi:10.1016/j.annals.2011.11.006
- Robert A. Beauregard. (1993). Representing Urban Decline: Postwar Cities as Narrative Objects. Urban Affairs Quarterly, 29 (2), 187-202. doi:10.1177/004208169302900201
- Ryan, B. D. (2012). Design after decline: How America rebuilds shrinking cities. University of Pennsylvania Press. Retrieved from <https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=E8ex2nuatfgC&oi=fnd&pg=PP1&ots=2U7r5HyrDA&sig=tsANN-i3zpHPjzXXZV1roCsVWk0#v=onepage&q&f=false>
- Stuart S.Rosenthal & Stephen L.Ross. (2015). Change and Persistence in the Economic Status of Neighborhoods and Cities. Handbook of Regional and Urban Economics, 5, 1047-1120. doi:10.1016/B978-0-444-59531-7.00016-8
- Uijeong , Hwang & Myungje, Woo. (2020). Analysis of Inter-Relationships between Urban Decline and Urban Sprawl in City-Regions of South Korea. 12(4), 1656. doi:10.3390/su12041656
- Yakup .E, Niley. Y. (2016). Urban Decline and Revitalization Project in Izmir-Tire Historical City Center. Procedia - Social and Behavioral Sciences, 216, 330 – 337. doi:10.1016/j.sbspro.2015.12.045



نحوه ارجاع به این مقاله:

جهان بین، نیما، رخشانی نسب، حسنعلی. (۱۴۰۰). ارائه مدل مفهومی زوال شهری در شهرهای مرزی ایران با استفاده از روش گراند تئوری، شهرسازی ایران، ۴ (۶)، ۷۰-۸۱.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Iranian Urbanism Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

URL: <https://www.shahrsaziiran.com/1400-4-6-article6/>

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27170918.1400.4.6.6.3>